

نقش گزارشات حسابرسی شده صورت های مالی و تاثیر آن در ارزش سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

پیروز جوانمیری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابرسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، حسابر

نام نویسنده مسئول:

پیروز جوانمیری

چکیده

حسابرسی فرآیندی منظم و با قاعده (سیستماتیک) جهت جمع آوری و ارزیابی بی طرفه شواهد درباره ادعاهای مدیریت در ارتباط با فعالیت ها و وقایع اقتصادی به منظور تعیین درجه انطباق ایم ادعاها و اظهارات با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به افراد ذینفع است. مهم ترین و با ارزش ترین خدمت حرفه حسابرسی اظهارنظر مستقل درباره مطلوبیت صورت های ممیزی و گزارش نتایج به افراد ذینفع. هدف حرفه حسابداری صورت های مالی این است که حسابرس بتواند درباره این که آیا صورت های مالی از تمام جنبه های با اهمیت طبق استاندارد های حسابداری تهیه شده است یا خیر اظهار نظر کند. حسابرس باید الزامات اخلاقی مرتبط با حسابرسی را رعایت کند. این الزامات اخلاقی شامل اصول اخلاقی مربوط به درستکاری بی طرفی «صلاحیت و مراقبت حرفه ای» «رازداری: رفتار حرفه ای اصول و ضوابط حرفه ای می باشند.

امروزه، سازمان ها باید هرچه سریع تر کالاهایی با کیفیت و قیمت مناسب، به بازار عرضه کنند، در غیر این صورت، در عرصه رقابت حرفی برای گفتن نخواهند داشت. در بازاریابی استراتژیک، برآورده ساختن نیاز مشتریان، مسیر استراتژیک شرکت ها به شمار می آید. مشتری برای تصمیم گیری در مورد خرید کالا، تنها به محصول و کیفیت آن نمی اندیشد بلکه مناسب بودن قیمت را نیز در نظر می گیرد. بنابراین، ضرورت دارد که شرکت ها برای کسب موفقیت در بازار، برنامه ای جامع و هوشمندانه در زمینه قیمت گذاری و همچنین انطباق با قیمت های رقابتی بازار داشته باشند. از سوی دیگر، ترفندهای مهمی در حسابداری مدیریت وجود دارد که می تواند سازمان ها را در حفظ توان رقابتی خود در بعد قیمت، یاری دهد.

واژگان کلیدی: حسابداری مدیریت استراتژیک، ابزارهای حسابداری مدیریت استراتژیک، هزینه یابی بر مبنای فعالیت، صورتهای مالی.

مقدمه

امروزه منابع محدود داخلی از یک سو و گسترش رقابت در محیط متلاطم خارجی از سوی دیگر، سازمانها را ملزم به استفاده بهینه از منابع درونی و تلاش فراوان برای بقا در محیط بیرونی می کند و تفکر استراتژیک مفهومی است که توجه سازمان را به هر دو جنبه معطوف می دارد. حسابداری مدیریت، یک سیستم اندازه گیری و تحلیل و تجمیع در جهت گرد آوری اطلاعات مالی و عملیاتی است که فعالیت مدیریتی و رفتارهای انگیزه ای را هدایت می کند و هدفهای استراتژیک سازمان را حمایت نماید. هدف اصلی حسابداری مدیریت کمک به سازمان به منظور به دست آوردن اصول استراتژیک آن سازمان یا واحد تجاری میباشد. در این راستا نقش عمده ای بر بازاریابی مدرن خواهد داشت ضمن اینکه برای راضی نگه داشتن مشتریان و رقابت با سایر تولیدکنندگان باید به صورت همزمان روی سه بُعد کیفیت، هزینه و زمان رقابت کرد. این سه عنصر یک مثلث استراتژیک را تشکیل می دهند. حسابداری مدیریت در ذات خود، هدف نیست، بلکه وسیله مهمی برای به دست آوردن هدفهای استراتژیک سازمان میباشد.

یکی از عمده ترین اهداف سازمان بازاریابی استراتژیک میباشد. بخش های مختلف سازمان، مانند تحقیق و توسعه، عملیات، مالی و بازاریابی در بسیاری از سازمانها به صورت جداگانه فعالیت می کنند. حال آنکه برای توسعه محصولات جدید همکاری تمام بخشها لازم است. قسمت بازاریابی و مالی با اینکه به صورت کاملاً جداگانه، حتی با روشها و تکنیکهای مجزا، در سازمانها فعالیت می کنند، به یکدیگر وابسته هستند؛ بخش بازاریابی برای محاسبه میزان بازگشت سرمایه از فروش محصول و مقرون به صرفه بودن یا نبودن آن یا محاسبه ارزش نام تجاری محصولات مختلف نیازمند بخش مالی است. بدین جهت مدیریت امروزی نیاز به تغییر روشهای مدیریتی سنتی خود به سمت روشهای هماهنگ کردن شبکهها دارد. این تغییر خود نیازمند تمرکز کردن روی بهینه سازی شرکت و شبکه آن به طور همزمان، به کارگیری روشی متفاوت برای اعمال کنترل در روابط، توجه و تمرکز روی شایستگیهای سایر شرکت و سازمانها به جای تمرکز تنها روی شایستگیها کلیدی خود شرکت و بکارگیری روشهای تحلیلی برای بررسی اصول مالی سازمان و شرکت میباشد. این موارد به وضوح نقش موثر حسابداری مدیریت بر بازاریابی استراتژیک را نشان میدهند.

تشریح و بیان موضوع

کیفیت صورتهای مالی ارائه شده توسط شرکتها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. استفاده کنندگان از صورتهای مالی باید بر گزارشات مالی صحیح و واقعی اتکا کنند. براین اساس حسابرسی صورتهای مالی ضرورت ویژه ای دارد. تغییر موسسات مجری حسابرسی، یکی از سیاستهایی است که در اقصی نقاط دنیا با هدف افزایش کیفیت حسابرسی صورتهای مالی مدنظر قرار دارد. نکته مهمی که در این رابطه وجود دارد آن است که ادعا می شود با افزایش دوره همکاری یک موسسه حسابرسی، کیفیت گزارشات حسابرسی و در نتیجه صورتهای مالی کاهش می یابد. سیاست محدود کردن دوره همکاری موسسات حسابرسی بعنوان وسیله ای مهم برای بهبود کیفیت گزارشات حسابرسی و در نتیجه گزارشات مالی شرکتها، مدنظر مجامع حرفه ای مالی قرار دارد. گفته می شود که تغییر موسسه حسابرسی این مزیت را دارد که استقلال حسابرس از این طریق بیشتر حفظ می شود و همچنین مواردی در گزارشات حسابرسی که ممکن است بدلیل بالا رفتن دوره همکاری، از نظر میزان اهمیت نادیده گرفته شوند، از بین می رود. در این تحقیق به بررسی تاثیر طول دوره همکاری بر کیفیت صورتهای مالی پرداخته می شود و این موضوع با بررسی اقلام تعهدی غیر عادی دنبال می گردد. در تحقیق حاضر تاثیر افزایش دوره ارتباط با موسسات حسابرسی بر افزایش یا کاهش کیفیت صورتهای مالی، از طریق انتشار مستمر اقلام تعهدی غیر عادی صورت می گیرد. گاهی مدیران شرکتها از حسابها به عنوان ابزاری برای نمایش غیرواقعی حصول اهداف بلندمدت شرکت و یا کاهش مصنوعی ریسک متصور، استفاده می کنند. حسابداری تعهدی، حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره های زمانی متفاوت اعطاء می کند. در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشم گیری بر زمان تشخیص برخی اقلام هزینه از جمله هزینه های تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه دارند، بنابراین تغییر ادواری حسابرسان و رابطه آن با کیفیت صورتهای مالی در این تحقیق بررسی می شود از دیدگاه اقتصادی، نقش بورس اوراق بهادار از چهار بعد قابل تأمل است:

الف: جمع آوری سرمایه های جزیی و پراکنده و یک کاسه کردن آنها در جهت تجهیز منابع مالی شرکتها

انتشار سهام و فروش اوراق قرضه یکی از مطمئن ترین راههای جمع آوری وجوه لازم برای سرمایه گذاری است. واحدهای تولیدی و تجاری به عوض استقراض از نظام بانکی می توانند تحت ضوابطی از طریق انتشار سهام یا فروش اوراق قرضه در بورس نیازهای مالی خود را تأمین کنند. در گذشته ایجاد واحدهای کوچک با تأمین سرمایه از سوی یک شخص یا یک خانواده میسر بود. در حالیکه امروزه دیگر تأسیس واحدهای بزرگ تولیدی و تجاری چنان سرمایه انبوهی را می طلبد که از توان مالی یک فرد یا خانواده خارج است. بورس مکانی است که این واحدها با انتشار سهام قادر هستند سرمایه های پراکنده را جمع آوری کرده و در پروژه های بزرگ سرمایه گذاری نمایند.

ب: توزیع عادلانه در آمد و ایجاد احساس مشارکت

با تقسیم مالکیت های بزرگ از طریق فروش سهام آنها در بورس اوراق بهادار از دید اقتصاد کلان به هدف های توزیع عادلانه تر درآمد و نیز احساس مشارکت در عموم افراد جامعه در فعالیت های تولیدی و تجاری کمک زیادی می کند. حتی چنانچه امکان تأمین منابع سرمایه گذاری های بزرگ با استقراض بانکی میسر شود. مع هذا انتشار و فروش سهام به عموم به منظور تأمین منابع مالی مرجح است. بسیاری از جامعه شناسان توزیع مالکیت را بین عموم طبقات به لحاظ اجتماعی مفید می دانند. امری که از دوقطبی شدن جامعه جلوگیری می کند و ناآرامی های اجتماعی را تخفیف می دهد.

ج: ایجاد یک بازار رقابتی کامل

که در آن تعداد زیادی خریدار و فروشنده به نحوی عادلانه تحت مکانیزم بازار یعنی عرضه و تقاضا به فعالیت می پردازند و هر کس می تواند آزادانه اوراق بهادار را خریداری و یا به فروش برساند. ضمناً شرکت های بورسی ملزم هستند اطلاعات مالی و گزارش های مربوط به اتفاقات مهم و سرمایه گذاری ها و کلاً هر اطلاعاتی که روی قیمت سهام اثرگذار است و محرمانه نباشد را به صورت سه ماهه، شش ماهه، نه ماهه و سالیانه به بورس ارسال نموده و بورس پس از بررسی، آنها را منتشر می نماید.

د: تخصیص مطلوب منابع

وجود فضای یک بازار کامل در بورس اوراق بهادار، تخصیص مطلوب منابع را میسر می سازد. بورس اوراق بهادار با تعیین بهای رقابتی سهام به عنوان ابزار انتظامی اقتصاد، مدیران غیر کارا و ضعیف را تنبیه و مدیران مبتکر و قدرتمند را تشویق می کند. یک شرکت زیان ده نمی تواند از طریق بورس به تأمین نیازهای مالی خود اقدام نماید. مزایای بورس اوراق بهادار از سه دیدگاه اقتصاد کلان، سرمایه گذاران و شرکت های سرمایه پذیر

(الف) مزایای بورس اوراق بهادار از دیدگاه اقتصاد کلان

- ۱- جمع آوری سرمایه های جزئی و پراکنده و انباشت آن برای تجهیز منابع مالی شرکت ها
- ۲- بکارگیری پس اندازهای راكد در امر تولید و تأمین مالی دولت و موسسات
- ۳- کنترل حجم پول، نقدینگی و تورم از طریق انتشار سهام و اوراق قرضه (مشارکت)
- ۴- بورس به مثابه بازار رقابت کامل (تعداد زیاد خریدار و فروشنده، آزادی ورود و خروج از بازار، شفافیت اطلاعات و تخصیص مطلوب منابع)
- ۵- رشد تولید ناخالص ملی، افزایش اشتغال و کمک به حفظ تعادل اقتصادی کشور
- ۶- فراهم نمودن توزیع عادلانه ثروت از طریق گسترش مالکیت عمومی و ایجاد احساس مشارکت عمومی
- ۷- افزایش درجه نقدینگی ثروت افراد

(ب) مزایای بورس اوراق بهادار از دیدگاه سرمایه گذاران:

- ۱- خرید سهام و اوراق بهادار برای کسب بازده مناسب و پوشش در مقابل تورم
- ۲- اطمینان از گزینه سرمایه گذاری به دلیل شفافیت اطلاعات
- ۳- قابلیت نقدینگی اوراق بهادار و سهولت نقل و انتقال سهام و استفاده از معافیت های مالیاتی
- ۴- مشارکت در فرآیند تصمیم گیری برای اداره شرکت ها
- ۵- ایجاد یک بازار دائمی و مستمر که امکان سرمایه گذاری بلند مدت و کوتاه مدت را فراهم می نماید
- ۶- وجود طیف های متنوع از اوراق بهادار از نظر درجه بازدهی و خطر پذیری برای سرمایه گذار
- ۷- برقراری سیستم ها و روش هایی که از طریق آن، خرید و فروش اوراق بهادار منظم و رسمی گردد
- ۸- حمایت از سرمایه گذاران کوچک و احساس مشارکت در امور تولیدی و تجاری
- ۹- نظارت مضاعف بر فعالیت شرکت ها در چارچوب استانداردها و آئین نامه های بازار سرمایه

- ج) مزایای بورس اوراق بهادار از دیدگاه واحد اقتصادی (شرکت های سرمایه پذیر)
- ۱- سهولت در تأمین مالی از طریق انتشار سهام و سایر اوراق بهادار
 - ۲- افزایش اعتبار داخلی و خارجی و تأمین مالی با به وثیقه گذاردن سهام شرکت در بازارهای مالی داخلی و خارجی
 - ۳- تعیین ارزش بازار بر اساس قانون عرضه و تقاضا تا زمانیکه نام شرکت در تابلو بورس درج باشد
 - ۴- سهولت در تغییر ترکیب سهام داری و انتقال مالکیت
 - ۵- به وجود آمدن دیدگاهی مطلوب در سرمایه گذاران با کاهش ریسک واحد اقتصادی و امکان تأمین مالی با هزینه کمتر
 - ۶- برخورداری از مزایای خاص و اعتباری مانند افزایش سقف تسهیلات بانکی و انتشار اوراق مشارکت
 - ۷- انتشار اوراق مشارکت بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی و فقط با مجوز بورس اوراق بهادار

بازارهای مالی

بازارهای مالی بازارهایی هستند که در آنها داراییهای مالی مبادله می شوند. داراییهای مالی داراییهای کاغذی هستند مثل سهام و اوراق قرضه و ارزش آنها به ارزش تولیدات و خدمات ارایه شده توسط شرکت های منتشرکننده آنها وابسته است. تفاوت داراییهای مالی با داراییهای واقعی در اینست که داراییهای واقعی ماهیت فیزیکی دارند مانند اتومبیل، املاک و مستغلات، وسایل منزل و ... در همه جای دنیا یکی از راههای سرمایه گذاری خرید داراییهای مالی است. مزیت خرید داراییهای مالی نسبت به خرید داراییهای واقعی از دیدگاه اقتصادی اینست که اولاً دارایی واقعی کالای مصرفی است نه وسیله پس انداز و سرمایه گذاری. دوم اینکه خرید داراییهای واقعی و بلااستفاده نگه داشتن آنها به امید گرانتز شدن در آینده به معنای بلااستفاده نگه داشتن منابع کشور است و ارزش افزوده ای ایجاد نمی کند. مگر آنکه از آن استفاده شود مثل اینکه شخصی اتومبیل و یا خانه ای بخرد و آن را اجاره دهد. چند نوع از داراییهای مالی عبارتند از: سپرده های سرمایه گذاری در بانکها، طرح های بازنشستگی که توسط صندوقهای بازنشستگی ارایه می شود، انواع بیمه نامه های شرکت های بیمه و در نهایت اوراق بهادار قابل دادوستد در بورس اوراق بهادار که توسط کارگزاران خرید و فروش می شود

در اقتصاد بازارهای مالی را براساس معیارهای مختلفی تقسیم می کنند که دو نمونه اصلی آنها به شرح زیر است:

۱- طبقه بندی بر اساس سررسید حق مالی

الف) بازار پول

ب) بازار سرمایه

۲- طبقه بندی بر اساس مرحله انتشار

الف) بازار اولیه

ب) بازار ثانویه

اوراق بهاداری که برای اولین بار توسط دولت و یا شرکتها منتشر می شود در این بازار پذیره نویسی می شوند. نماد بازار اولیه در کشور ما بانک است. در واقع تأسیس هر شرکت و یا شروع هر فعالیت اقتصادی در بازار اولیه صورت می گیرد. در بازار ثانویه اوراق بهاداری که در بازار اولیه پذیره نویسی شده اند مورد داد و ستد مجدد قرار می گیرند و نماد آن در کشور ما بازار بورس اوراق بهادار است.

واسطه های مالی

تمام شرکتها و فعالین بازارهای مالی را می توان واسطه های مالی نام برد. به طور کلی می توان واسطه های مالی را به شکل زیر طبقه بندی کرد:

۱- واسطه های مالی بانکی (مقامات پولی و بانکهای سپرده پذیر)

الف) بانک مرکزی ب) سایر نهادهای بانکی ج) بانکهای سپرده پذیر

۲- واسطه های مالی غیر پولی

الف) شرکت های بیمه

ب) شرکت های سرمایه گذاری

ج) صندوق بازنشستگی و احتیاطی

ر) سازمانهای وام و پس انداز، صندوقهای پس انداز با هدفهای خاص (تعاونی های اعتباری)

۳- سایر موسسات ارائه کننده خدمات مالی

الف) کارگزاران بورس اوراق بهادار (ب) دلالان بورس اوراق بهادار

ج) بانکهای سرمایه گذار (د) بانکهای رهنی

بانکهای سرمایه گذاری سازمانهایی هستند که اعتبارات میان مدت و بلندمدت در اختیار وام گیرندگان می گذارند. این بانکها انتشار سهام و اوراق قرضه جدید دولتی را تعهد می کنند.

بانکهای رهنی فعالیتی مشابه بانکهای سرمایه گذاری دارند. این بانکها اوراق بهادار رهنی ناشی از ساخت خانه ها و مجتمع های مسکونی جدید و بنگاههای تجاری را به دست می آورند و آنها را نزد وام دهندگان بلندمدت مانند شرکت های بیمه، صندوقهای بازنشستگی و بانکهای پس انداز به ودیعه می گذارند.

فرآیند سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار

پس از اینکه سرمایه گذار، تصمیم خود را نسبت به سرمایه گذاری در خرید یک ورقه بهادار خاص، یا مجموعه ای از اوراق بهادار اتخاذ کرد، برای اجرای منظور خود بایستی به یکی از کارگزاران مراجعه کرده، دستور خرید یا فروش خود را به آنها ارائه دهد کارگزاران اشخاصی حقیقی یا حقوقی هستند که نقش واسطه بین خریدار و فروشنده را در بازار بورس بازی می کنند. آنها در این نقش وظیفه یافتن خریدار برای فروشنده و فروشنده برای خریدار را بر عهده دارند. به عبارتی آنها عامل تطابق عرضه و تقاضا هستند. کارگزاران طی تشریفات و آزمون های متعدد و خاصی انتخاب می شوند و بنابراین در کار خود صلاحیت، مهارت و دانش لازم را دارا می باشند. کارگزاران وظایف متنوعی دارند که موارد زیر از اهم آنها می باشد.

۱- انجام معامله: اجرای سفارش خرید برای خریداران و سفارش فروش برای فروشندگان

۲- اداره حساب سرمایه گذاری اشخاص: شرکت های کارگزاری در برخی موارد نقش مدیریت حساب سرمایه گذاری اشخاص را ایفا می کنند

۳- مشاوره و راهنمایی: کارگزاران با دسترسی نسبتاً وسیع و سریع تر به اطلاعات و با داشتن کارشناسان متخصص معمولاً خدمات اطلاعاتی قابل توجهی به مشتریان ارائه می دهند.

۴- معرفی شرکت ها برای پذیرش در بورس

چند مفهوم مهم در استراتژیهای مالی

استراتژیهای مالی: بعدی از استراتژی است که در حیطه مدیریت مالی قرار دارد و شامل تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری، تامین مالی کردن و سیاست تقسیم سود میشود.

مدیریت مالی استراتژیک: مشخص کردن استراتژی های ممکن که توانایی (قابلیت) حداکثر کردن ارزش فعلی خالص یک سازمان را داشته باشند تخصیص منابع سرمایه ای کمیاب برای فرصت های رقیب و اجرا و ارزیابی استراتژی های انتخاب شده با هدف دستیابی به اهداف بیان شده.

هر دو تعریف بالا مشخص می کنند که استراتژی به اهداف بستگی دارد. برای یک شرکت سود محور مهمترین هدف استراتژیک بهینه کردن ثروت مالکان شرکت است. به این معنا که دستیابی به بالاترین سود ممکن همگام با برآورده کردن نیازهای ذی نفعان مختلف شرکت شامل سهامداران، قرض دهندگان، مشتریان، عرضه کنندگان، کارکنان و دولت (در مواردی مانند مالیات و محدودیت های قانونی فعالیت). اهداف مالی:

برای یک واحد تجاری سود محور، مهم ترین هدف استراتژیک بهینه کردن ثروت مالکان شرکت است. به عبارت دیگر فرض می شود که هدف شرکت حداکثر سازی ثروت سهامداران است. در عمل این هدف به این صورت تفسیر می شود دستیابی به حداکثر سود ممکن همگام با برآورده کردن نیازهای ذی نفعان مختلف واحد تجاری.

ذینفعان: گروهها یا افرادی که منفعت قانونی در فعالیت های یک سازمان را دارند. به طور کلی این افراد شامل مشتریان، کارکنان، جامعه، سهامداران، عرضه کنندگان و قرض دهندگان می شود.

گروههای مختلف ذی نفعان منافع مختلفی در فعالیت های مختلف سازمان دارند:

سهامداران: حداکثر سازی ثروت ناشی از سرمایه گذاری شان.

قرض دهندگان: دریافت بهره بازپرداخت سرمایه در روز مقرر.

مشتریان : یک رابطه تجاری مداوم با عرضه کنندگان .

عرضه کنندگان مواد اولیه : اطمینان یافتن از اینکه طلب شان به طور کامل در موعد مقرر پرداخت خواهد شد .

کارکنان : حداکثر سازی پاداش های پرداختی به آنها در شکل حقوق و مزایا و استمرار استخدام آنها .

دولت : دارای اهداف مختلف شامل رشد اقتصادی پایدار و حفظ سطح مناسب اشتغال .

مدیران در عمل شاید اهداف گسترده ای داشته باشند مانند اتخاذ هر نوع تصمیم تامین مالی، سرمایه گذاری یا سیاست تقسیم سود

که باعث دستیابی به بازده های رضایت بخش به جای تصمیماتی که منجر به حداکثر سازی بازده شود . امکان دارد اهداف بیشتر مرتبط با

دستیابی به سطحی از فروش، درآمد هر سهم، سود نقدی هر سهم و یا بقا شرکت باشد .

نقش مدیریت مالی در استراتژی شرکت :

نقش مدیریت مالی در تصمیم گیری های شرکت و تعامل آن با استراتژی شرکت است . مدیران شرکت از بین انتخاب های مختلف

استراتژی ایجاد کننده ارزش را انتخاب می کنند . این استراتژی ها شامل تصمیمات عملیاتی (در کجا باید منابع خودمان را تخصیص دهیم

، کدام واحد از شرکت را باید حذف کنیم ، و سوالاتی مانند اینها)، تصمیمات مالی (ساختار سرمایه ما چگونه باید باشد ، کدام ریسکها را نیاز

داریم که مدیریت کنیم و چگونه) و غیره می شود .

هدف استراتژی مالی افزایش سرمایه با کمترین هزینه است که این کار به نوبه خود باعث افزایش ارزش مورد نظر سهامداران می شود

در نگاه اول شاید چنین به نظر برسد که این تصمیمات در حوزه تصمیمات مدیریت ارشد مالی قرار میگیرد و نیازی نیست که دیگران خود

را در این تصمیمات درگیر نمایند . با این حال همانطور که تصمیمات عملیاتی بر سیاستهای مالی تاثیر میگذارند ، تصمیمات مالی نیز می

توانند بر استراتژیهای عملیاتی تاثیر بگذارند .

استراتژیهای مالی

تصمیمات مختلف مالی را باید با لحاظ نمودن چهار گونه ، استراتژیهای مالی اتخاذ نمود . این استراتژیها ، استراتژیهای تامین مالی و

ساختار سرمایه ، استراتژی سرمایه در گردش ، استراتژی سرمایه گذاری و بودجه بندی سرمایه ای و استراتژی تقسیم سود می باشند که

مدیران مالی بایستی با توجه به استراتژیهای سازمان دز مورد آنها تصمیم گیری نمایند به نحوی که بیشترین همسویی را با استراتژی سازمان

بوجود آورند و در عین حال سود بیشتری را هم نصیب ذینفعان کنند .

استراتژی های تامین مالی و ساختار سرمایه

تصمیمات تامین مالی ، مربوط به کسب و تامین مالی بهینه برای برآورد کردن اهداف مالی و نیز بررسی اینکه سرمایه ثابت و سرمایه

در گردش به طور موثری اداره می شوند است . مدیر مالی باید از دانش کافی در مورد منابع موجود و نیز هزینه های این منابع برخوردار باشد

تا اطمینان یابد که شرکت یک ساختار سرمایه ای مناسب را دارا می باشد . برای مثال یک تناسب درست بین بدهی و سهام وجود دارد . ایم

مدیران همچنین نیازمند درک درست از تفاوت بین سود و جریان نقدی هستند با در نظر داشتن این نکته که سود کمتر مناسب نخواهد

بود مگر اینکه واحد تجاری به طور مناسب به وسیله وجوه نقد به منظور پرداخت کردن برای داراییها ، نگه داشتن چرخه سرمایه در گردش

حمایت شده باشد .

هزینه فرصت تامین مالی

در اتخاذ تصمیمات تامین مالی و ساختار سرمایه ، مدیر باید همیشه از هزینه فرصت این تصمیمات مطلع باشد . بنابراین اگر یک شرکت

بخواهد وجوه مورد نیاز خود را از طریق انتشار سهام عادی تامین کرده و یا افزایش دهد شرایط باید به اندازه کافی برای سرمایه گذار جذاب

باشد تا این کار قابل انجام بوده و در همان حال او از هزینه فرصت مربوط به سرمایه گذاری در دیگر پروژه های سرمایه گذاری صرفنظر کند

همچنین اگر شرکت بخواهد که قیمت سهام خود را ثابت نگه داشته و یا بهبود ببخشد باید سود سهمی مناسبی را بین سهامداران تقسیم کند

و چشم انداز رشد بلند مدت خوبی داشته باشد در غیر این صورت ارزش سهام آن کاهش خواهد یافت چون سهامداران خواهند دید که بهتر

است سهام این شرکت را بفروشند و در شرکتهای دیگر سرمایه گذاری نمایند .

تامین مالی کردن از طریق منابع خارج از شرکت

نظریه اولویت بر اساس اهمیت برای اولین بار توسط دونالدسون در مطالعه ای که موضوع آن بررسی چگونگی اتخاذ تصمیمات مالی توسط مدیران بود مطرح شد. او در این مطالعه دریافت که مدیران ترجیح می دهند که از منابع داخل شرکت برای تامین وجوه مورد نیاز استفاده نمایند این نیازها را نمی توان با کاهش سود تقسیمی که به نظر می رسد به جز شرایط بحرانی نباید به آن دست زد تامین کرد. به نظر می رسد که مدیران از یک روند ترتیبی در انتخاب منابع تامین مالی از خارج از شرکت استفاده می کنند. در حالیکه آنها در حالت کلی استفاده از منابع داخلی را به منابع خارجی ترجیح می دهند با این حال زمانی که آنها بخواهند از منابع مالی خارجی استفاده کنند، گرفتن وام نخستین انتخاب آنها می باشد زیرا این روش ارزانه ترین روش تامین سرمایه مورد نیاز در بین منابع خارجی است.

استراتژی های سرمایه در گردش

سرمایه در گردش یک شرکت مجموعه مبالغی است که در داراییهای جاری سرمایه گذاری می شود. اگر بدهیهای جاری از داراییهای جاری یک شرکت کسر گردد سرمایه در گردش خالص به دست می آید. مدیریت سرمایه در گردش عبارت است از تعیین حجم و ترکیب منابع و مصارف سرمایه در گردش به نحوی که ثروت سهامداران افزایش یابد.

منابع و مصارف سرمایه در گردش

داراییهای جاری یک شرکت از اقلام زیر تشکیل میگردد. صندوق و بانک، اوراق بهادار قابل فروش، حسابهای دریافتنی، موجودی کالا و سایر داراییهای جاری، بسیاری از داراییهای جاری از محل بدهیهای جاری (مثل حسابهای پرداختنی، اسناد پرداختنی وامهای کوتاه مدت) تامین می شوند. در عین حال، برخی از شرکتهای بخشی از داراییهای جاری را از محل وامهای بلند مدت یا از محل حقوق صاحبان سهام تامین میکنند.

تجزیه و تحلیل صورتهای و نسبت های مالی

صورتهای مالی اساسی عبارتند از: ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت سود و زیان انباشته، صورت گردش وجوه نقد و یوایدداشتهای همراه صورتهای مالی. تجزیه و تحلیل این صورتهای باعث می شود که مدیران شرکتها، صاحبان سرمایه، بستانکاران و سرمایه گذاران بتوانند از وضع مالی حال و آینده شرکتهای سهامی مورد نظر خود آگاه شوند و درباره آن قضاوت کنند.

فرصت های بودجه بندی سرمایه ای

فرصتهای بودجه بندی سرمایه ای یا سرمایه گذاری را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- ۱- جایگزینی داراییهای موجود با داراییهای مشابه
- ۲- جایگزینی داراییهای موجود با استفاده از داراییهایی که هزینه ها را کاهش می دهند
- ۳- توسعه ظرفیت تولیدی (از طریق اضافه کردن داراییهای جدید به خط محصول فعلی با توسعه خطوط تولید فعلی در کنار سرمایه گذاریهای سرمایه ای کمک کننده به افزایش فروش و
- ۴- سرمایه گذاریهای استراتژیک

مهندسی مالی

هدف از برنامه ریزی سرمایه گذاری استراتژیک، تشخیص و شناسایی آن دسته از فرصتهای سرمایه گذاری است که در صورت انجام آنها درآمد اضافی نصیب افرادی که در شرکت سرمایه گذاری می کنند می نماید. در بازارهای سرمایه بخش بندی نشده و کامل، بازده ناشی از سرمایه گذاری باید غیر طبیعی باشد تا سرمایه گذاران از وجوه پیش بینی نشده و غیر سیستماتیک ناشی از سرمایه گذاری لذت برند.

- نحوه ارزیابی شرکتها

شرکتهای موجود در بورس اوراق بهادار تهران را می توان به شکل زیر تقسیم بندی کرد:

- ۱- شرکتهای تولیدی
- ۲- شرکتهای سرمایه گذاری

۳-شرکتهای ساختمانی

۴-شرکتهای پیمانکاری

۵-بانکها و سایر واسطه های مالی (لیزینگها)

هرکدام از این گروه شرکتها را باید براساس نوع فعالیت آنها ارزیابی کرد. به طور مثال نمی توان یک شرکت تولیدی را به مانند یک شرکت سرمایه گذاری ارزیابی کرد. چراکه ماهیت کار آنها با هم فرق دارد.

۱- ارزیابی شرکتهای تولیدی

نحوه ارزیابی شرکتهای تولیدی بیشتر روی سوددهی و روند آن متمرکز است و هر عاملی که روی سوددهی جاری یا انتظاری شرکت تاثیر بگذارد روی قیمت و در نتیجه در ارزیابی جدید شرکت تاثیر خواهد داشت. نحوه ارزیابی شرکتهای تولیدی در بخش تحلیل شرکت به طور کامل توضیح داده شده است.

۲- نحوه ارزیابی شرکتهای سرمایه گذاری

ارزیابی شرکتهای سرمایه گذاری معمولاً به دو شیوه صورت می گیرد. در روش اول ملاک تصمیم گیریها و تحلیل ها ارزیابی سبد سهام شرکتهای سرمایه گذاری است و در روش دوم ملاک ارزیابی بر پایه سوددهی این شرکتها است. در روش اول ارزیابی ها با توجه به ارزش سبد سهام شرکت سرمایه گذاری و وزن هر صنعت در سبد سهام آن شرکت، صورت می گیرد. معمولاً قیمت سهام شرکتهای سرمایه گذاری هم جهت با قیمت سهام موجود در سبد آنها تغییر می کند. به طور مثال اگر در یک شرکت سرمایه گذاری صنعت خاصی ۴۰ درصد سبد سهام آن را تشکیل داده باشد، هرگونه تغییری در قیمت و ارزش آن صنعت خاص صورت گیرد، این تغییر در قیمت سهام شرکت سرمایه گذاری هم صورت می پذیرد. بنابراین باید در ارزیابی شرکتهای سرمایه گذاری به وزن هر صنعت در سبد سهام آنها و نحوه تغییرات آنها توجه داشت. یکی از مشکلات این روش این است که ارزش واقعی شرکتهای خارج از بورس شرکتهای سرمایه گذاری را نمی توان دقیقاً مشخص کرد. چراکه تا زمانی که سهام شرکتها در بورس عرضه نشده و قیمت آن براساس عرضه و تقاضای واقعی مشخص نشود ارزش گذاری آن مشکل خواهد بود. در کل برای ارزیابی شرکت سرمایه گذاری در این روش هر قدر که ارزش سبد سهام شرکت برای هر سهم از قیمت هر سهم شرکت بیشتر باشد زمان خوبی برای خرید آن سهم محسوب می شود و بالعکس. در درازمدت انتظار این است که این دو تقریباً یکسان باشند. در روش دوم ارزیابی شرکتهای سرمایه گذاری به سود این شرکتها و امکان رشد سودآوری و قابلیت سودسازی توجه می شود و براساس پیش بینی سود شرکت و نسبت P/E متوسط شرکتهای سرمایه گذاری قیمت سهام این شرکتها پیش بینی و تعیین می شود.

۳- ارزیابی شرکتهای ساختمانی

از نکات قابل توجه در شرکتهای ساختمانی بهای تمام شده پروژه های تکمیل شده و آماده برای فروش و قیمت فروش این پروژه هاست و هر قدر این دو مقدار (بهای تمام شده و فروش) از هم فاصله داشته باشند نشان از حاشیه سود بالای شرکت است. نکته مهم دیگر در ارزیابی این شرکتها پتانسیل موجود در شرکت برای سوددهی است. یکی از این پتانسیل ها وجود قراردادهای جدید برای احداث پروژه های جدید و همچنین داشتن زمین مناسب در شهرها و مناطق با ارزش برای احداث بناهای مختلف تجاری، مسکونی و اداری است و این پتانسیل ها می تواند در جهت خلق سود برای شرکت و سهامداران آن در آینده مورد استفاده قرار گیرد.

۴- شرکتهای پیمانکاری

ارزیابی شرکتهای فعال در این گروه کمی مشکل تر و پیچیده تر است و این مربوط به ماهیت این شرکت ها است. در این شرکتها به دلیل اینکه یک کالای خاصی تولید نمی شود و نمی توان براساس تقاضا و عرضه آن روند فعالیت شرکت را ارزیابی کرد کمی با مشکل مواجه هستیم. دارایی شرکت بر اساس نوع فعالیت آن، دستگاهها و ماشین آلات موجود است و نیروی انسانی متخصص نیز از جمله عوامل مهم در این نوع شرکتها است. یکی از بهترین روشها برای ارزیابی این شرکتها توجه به صنعتی است که آنها در آن فعالیت دارند. همانطور که در بخش تحلیل صنعت ذکر گردید اگر چشم انداز آن صنعت خوب و روشن باشد انتظار این است که وضعیت قراردادهای این شرکت نیز بهبود یابد و همزمان با رشد صنعت این شرکت نیز رو به رشد باشد.

۵- نحوه ارزیابی بانکها و سایر واسطه های مالی (لیزینگ ها)

عمده سود فعالیت بانکها از اختلاف سود تسهیلاتی که می پردازند و سود سپرده هایی که قبول می کنند به دست می آید. در این گروه سرمایه گذاری در اوراق بهادار نیز بخشی از سود آنها را تشکیل می دهد. بانکها به دلیل اینکه تقریباً سود تسهیلات و سپرده های آنها تقریباً با هم برابر است، حجم سپرده های آنها عامل مهمی در شناسایی سود آنها به حساب می آید. به فرض اگر حاشیه سود بانکها یکسان باشد بانکی که بیشترین سپرده را دارد از سوددهی کل بالاتری نیز برخوردار خواهد بود. از نکات دیگر قابل توجه در ارزیابی بانکها درآمدهای حاصل از سایر سرمایه گذاری های آنها است. تعداد شعبات و هزینه های عملیاتی بانکها نیز از نکات دیگری است که باید به آنها توجه کرد . نکته مهم دیگر در ارزیابی این شرکتها میزان مطالبات مشکوک الوصول آنها می باشد که نشان دهنده عملکرد این شرکتها در دریافت مطالبات خود است و هرچه این مطالبات بالاتر برود عملکرد شرکت ضعیف ارزیابی می شود. سوددهی و روند آن در گذشته نیز از جمله نکات مهم دیگری است که در ارزیابی شرکتهای لیزینگ باید به آن توجه کرد .

بحث و نتیجه گیری

ممیزی سیستم های اطلاعاتی مدیریتی و مالی باید این اطمینان را ایجاد کند که علاوه بر حفاظت شایسته از دارایی ها، امکان استفاده بهینه از آنها در جهت رسیدن به هدف های سازمانی نیز فراهم است.

حسابرسان برای دستیابی به درک مورد نیاز از کنترل ها باید آشنایی فزاینده ای با کنترل های فناوری اطلاعات بیابند؛ ولی عمده حسابرسان آگاهی کافی از این موضوع ندارند. هیات تدوین استاندارد حسابرسی این مشکل را تشخیص داده و در بیانیه استانداردها حسابرسی شماره ۷۸، رهنمون های بیشتری درباره کنترل های فناوری اطلاعات ارائه کرده است. متأسفانه این بیانیه تأثیر اندکی بر نحوه اجرای حسابرسی بوسیله موسسات حسابرسی داشت؛ بنابراین هیات تدوین استاندارد های حسابرسی در بیانیه ۹۴ تأثیر فناوری اطلاعات بر بررسی کنترل های داخلی بوسیله حسابرسان را مورد توجه قرار داد. به صورت مختصر، در این استاندارد چنین بیان شده است: (بشتابید حسابرسان؛ دیگر نمیتوانید فناوری را نادیده بگیرید).

رسیدن به عملیات کارا و اثربخش، مسئولیت اصلی مدیریت است و در کلیه ساختار سیستم مدیریت سازمان، عملیات و کنترل مدیریت باید در راستای رسیدن به این هدف طراحی گردد.

حسابرسی عملکرد مدیریت، مصداق بارزی از خدمات مشاوره مدیریت است که ممکن است برخی از ویژگیهای حسابرسی صورتهای مالی را داشته باشد. این نوع حسابرسی دربرگیرنده بررسی روشمند فعالیتهای یک سازمان یا بخش مشخص از آن در دستیابی به اهداف مشخص است.

اهداف کلی حسابرسی عملکرد الف) ارزیابی عملکرد در مقایسه با اهداف تعیین شده به وسیله مدیریت یا سایر معیارهای سنجش مناسب. ب) شناسایی فرصتهای بهبود عملیات از نظر صرفه اقتصادی و کارایی و اثربخشی و ج) ارائه پیشنهاد برای بهبود عملیات یا انجام اقدامات و رسیدگی های بیشتر است.

بررسی و آزمون کنترل های مدیریت نیز به عنوان یکی از مراحل اجرای حسابرسی عملکرد است که هدف اصلی آن تعیین هدف قطعی حسابرسی و نیز قابلیت اتکاء مدارک و شواهد داخلی واحد است.

منابع و مراجع

منبع مقاله	فارسی	انگلیسی
نویسنده اول	(پیروز جوانمیری ۱۳۹۶)	(Pirooz Javanmiri ۲۰۱۷)

[۱]. دیوید، آر. دیوید (۱۳۷۹). <<مدیریت استراتژیک>>. (ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی)، تهران: انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی

[۲]. جهانخانی، علی و پارسائیان، علی. (۱۳۷۶). <<مدیریت مالی>>، جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم

[۳]. جونز، پارکر. (۱۳۸۲)، <<مدیریت سرمایه گذاری>>. (ترجمه رضا تهرانی و عسگر نور بخش)، تهران: انتشارات نگاه دانش.

[۴]. سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و نشریات بورس .

[5] Finance and corporate Strategy(2002) ,Narayanan.c01

[6] Financial Theory and The Capital Budgeting Decision,(2003)

[7] Brealy ,A. Richard and myers ,C.Stewart (2000),principles of Corporate Finance.6 ed .McGraw-Hill companies,Inc.